

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۵ خرداد ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
 ۲ - سؤال آقای روحی و جواب آقای وزیر کشاورزی راجع به پنبه و آب کوهرنگ
 ۳ - شور اول لایحه انحصار پنبه
 ۴ - موقع ودستور جنبه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس پنجشنبه ۱۳ خرداد ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای امیر تیمور در صورت جلسه نظری دارید (امیر تیمور - قبل از دستور) آقای دکتر سنگک در صورت مجلس نظری دارید (دکتر سنگک - قبل از دستور) آقای روحی سرکار (روحی - بنده سؤالی دارم اجازه میفرمائید عرض کنم). در صورت مجلس نظری نیست (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - آقایان نمیخواهند رائی را هم که خودشان میدهند رعایت کنند بنده عرض میکنم اگر رعایت نکنند و بی نزاکتی بشود اینطور نمیشود و الا تا ساعت چهار اعلام میکنم الان ساعت دو است هنوز هم حاضر نمیشوند برای

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای انوار انوار - آقای دکتر سمیعی را در صورت جلسه غایب بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان مریض هستند و اجازه هم خواستند به کمیسیون عرایض هم فرستاده اند و ایشان مدتی است مریض هستند باید اصلاح شود.

رئیس - آقای طوسی
 طوسی - توجه آقای انوار را جلب میکنم باینکه این مرخصی ها برود بکمیسیون مادام که کمیسیون تصویب نکرده خواه نا خواه غایب بی اجازه نوشته میشود بعد از تصویب کمیسیون با اجازه نوشته میشود.

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و نهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر سمیعی - تولیت - مؤید نابتی - ارکانی - گودرز نیا - مشیردوانی - لبقوانی - شجاع - اکبر - مهذب - کاژرونیان - فاطمی - دبستانی - سلطانی - صادق وزیر - مسعودی - کامل ماگو - نصر تیان - بوداغبان

کار آنوقت هم باید معطل بشویم برای رأی گرفتن آقایان تشریف نمیآوردند اینک شکل کار نیست.

۲ - سؤال آقای روحی و جواب آقای وزیر کشاورزی راجع به پنبه و آب کوهرنگ

رئیس آقای روحی .

روحی - من خیلی خوشوقت میشوم که باین قسمت از اظهارات من توجه بیشتری بکنند . البته در خاطر دارند که چندی قبل بنده بالنسبه به ششصد تن پنبه از وزارت کشاورزی سؤال کردم و اداره خواربار اتفاقاً در آن موقع آقای وزیر خواربار اطلاع دارند که این پرونده بداد گستری احاله شده است تا بحال بنده از این موضوع هیچ نفهمیدم که در چه جریان است و بکجا رسیده است ولی اخیراً اطلاعی به بنده رسیده که کابینه آقای قوام در ۱۴ بهمن ساقط شده و این اجازه ششصد تن پنبه در ۱۶ بهمن که جمعه بوده است و وزیر وقت اصلاً حق مسئولیت و مداخله در امور وزارت خانه نداشته است این ابلاغ را صادر میکند که روز بعدش هفدهم وارد دفتر میشود و ثبت میکنند اینهم وزارت کشاورزی بموجب جوابی که بر روزنامه آزاد داده صحت این ادعا را ثابت و تصدیق میکند بنده نمیدانم چطور این عمل تا بحال مخفی مانده است و هیچکس نیامده است نه آقایان همکاران من نه از افراد دولت این قضیه را تعقیب کنند به بینید این عمل خلاف قانون روی چه اصلی بوده است و در آن موقع که وزیر مسئول بوده است بچه جهت این ابلاغ را صادر کرده است بنده در این مورد سؤال کردم و خیلی خوشوقت هستم که آقای وزیر کشاورزی اینجا حضور دارند . جواب بدهند مورد دوم سؤال بندهم راجع به واگذاری تعمیر راه اصفهان است تا دامنه این راه بتصدیق وزارت راه از شوسه های دو جبه اول ایران بوده است و هیچ محتاج تعمیر نبوده است و کاملاً کامیون آمد و شد میکرده این را وزارت کشاورزی آمدم اجازه داده است از محل آبیاری چهار صد هزار تومان . و اگر بگذار کنند برای تعمیر راه نصف آنرا داده اند نصف دیگر را هم آن متصدی بدون مناقصه الآن طلبکار است خیلی تعجب آور است آقای وزارت کشاورزی از بودجه آبیاری تعمیر راه را اجازه بدهد راهی که هیچ

محتاج بتعمیر نیست و اتفاقاً نسبت باین دو موضوع روزنامه آزاد سؤال میکند و آقای وزیر کشاورزی هم جواب میدهد که این تصمیم در کابینه سابق گرفته شده که این عمل اجرا بشود در صورتیکه کابینه سابق در ۱۴ بهمن ساقط شده و این عمل در ۱۷ انجام شده سه روز بعد از اینکه وزیر حق امضای هیچ کار نداشته مسئولیت نداشته حق مداخله نداشته این عمل انجام شده راه را هم وزارت راه میگوید که این هیچ محتاج بتعمیر نبوده این مبلغ از سرمایه ملی ایران صرف این عمل شده است آقا تعجب میکنم واقعاً خیلی مورث تعجب من است این اعمالی که در این وزارتخانه ها در این چند ماهه اخیر واقع شده و اینهمه ما سؤال میکنیم ترتیب اثر نمیدهند دنبال میکنیم کسی نیست جواب بدهد که ما این را بانجام رساندیم بنده خاطر هست یکسال به وزیر وقت گفتم حالا هم خدمت همکار خودم آقای اعتبار عرض میکنم قصد از فرمالمته نیست این سؤال را که میکنم نمیخواهم بیابند يك جواب سطحی بدهند عمل کنند اقدام کنند ببینند اگر کسی برخلاف مصالح مملکت کار کرده او را کیفر بدهند مجازات بدهند از این چیزها جلو گیری بکنند من صریح عرض میکنم اوضاع وزارتخانه های ایران اگر توجه صریحی نشود این وضع قابل دوام نیست باین ترتیب نمیشود زندگی کرد از هر سو غارت از هر سو چپاول از هر سو یغما حالا نمیدانم شاید هم نشده این وزراء مسئولند باید دقت بکنند باید ببینند این اعمال خلاف قانون را کی کرده است محاکمه وزراء داریم دیوان کیفر داریم چهار قفسه را احاله بدهند الآن میگویند میخواهند صدی پانزده از کارمندان دولتمرا بیرون کنند بیابند ببینند این اشخاص کی هستند وزارتخانه هارا از وجود اینها پاک کنید بگذارید این اشخاصیکه داریم در فکر سوء استفاده و خالی کردن جیب کشور و پر کردن جیب خودشان هستند بدون هیچ قیدی اینها بکیفر خودشان برسند . عرض دیگر بنده راجع باعضای کمیسیون بودجه است که آقای وزیر کشاورزی هم در آن موقع خوشبختانه خیر کمیسیون بودند بنده يك پیشنهادی دادم راجع بصدی

دوازده کارخانه ها این را مجلس رأی داد بعد وزیر پیشه و هنر آمد گفت که این قانون مجازات ندارد که اگر انعام نکردند چه میشود بنده و چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد دادیم که مازاد آن بفتح کشور و دولت ضبط شود این خبر رفت جزء متمم بودجه به کمیسیون از کمیسیون دنباله خبر را قطع کردند و بعد که بنده مطالبه میکنم الآن چهار ماه است بکمیسیون رفته در کمیسیون بودجه دفن شده بزبان و ضرر ملت ایران است (صحیح است)

وزیر کشاورزی - موضوع سؤال آقای روحی نماینده محترم همانطور که فرمودند سابقاً هم یکی از روزنامه های ملی روزنامه آزاد از وزارت کشاورزی سؤال شده بود وزارت کشاورزی هم طبق پرونده امر جواب نوشت و فرستاد حالا بنده يك دفعه دیگر بطور اختصار جریان را به عرض آقایان میرسانم . موضوع پنبه آقایان بخوبی مسبق هستند سابقاً هم همینطوری که آقای روحی فرمودند از طرف خود ایشان سؤالانی شد و تعقیب شد جریانهم بعرض مجلس رسید و از طرف وزارت کشاورزی و دولت هم روی آن اقدام شده است و پرونده امر در دیوان کیفر است و الآن هم تحت تعقیب و بازرسی است هنوز از دیوان کیفر نتیجه ای داده نشده است تا بنده بتوانم بعرض آقایان برسانم که دیوان کیفر چه تصمیمی گرفته خلاصه مطلب اینطور جریان پیدا کرده پس از اینکه کاظم ملک دعوی خسارت میکند راجع به پشم و پنبه که شرح خیلی مفصل است بالاخره توافق میشود که باوششصد تن پنبه داده شود سیصد تن پنبه باو میدهند یعنی در ۱۵ بهمن اداره پنبه گزارش میدهند و در ۱۶ بهمن وزیر وقت ذیل آن گزارش دستور میدهند که سیصد تن پنبه قبلاً داده شود و برای سیصد تن بقیه بعداً تصمیم گرفته خواهد شد این آقای کاظم ملک این سیصد تن پنبه را میفرشند و بیست تن بیجکی از کارخانجات و صد تن بک بنگری با سود هر کیلو ۶۵/۶۰ و حال آنکه بنده تحقیق اکوادم هر کیلو ۶۰/۵۰ ریال بوده است که تقریباً همیشه صد و نود هزار تومان البته وقتی این جریان پیش می آید دستور داده میشود پنبه هائی را که بهر کارخانه فروخته شده بابت سهمیه ای را که وزارت

کشاورزی برای همان کارخانه قائل است از همان بابت مخفی بود شود همین کار را هم ما کردیم دوستان تن از این پنبه را که بشرکت کاشانی فروخته شده بود صد تن هم بکارخانه دیگر این سیصد تن را بابت سهمیه آنها حساب کردیم (تهرانیچی تفاوت قیمتش چه میشود؟) تفاوت قیمت بماربطی ندارد مافقط بایستی يك پنبه را بيك کارخانه بدهیم مطابق سهمیه ای که در اول سال معاوم کرده اند از این سیصد تن که به کاظم ملک فروخته شد مراقبت کردیم وقتی معلوم شد که بدو کارخانه فروخته ما گفتیم بابت سهمیه تان دوستان تن یکی صد تن یکی از سهمیه تان ما کم میکنیم ما اینجا چیزی کم نکردیم ما آن پنبه را که میبایستی بدهیم غیر مستقیم داده شده است (تهرانیچی آن تاجری که اضافه داده چه بکنند؟) آقا اجازه بفرمائید وزارت کشاورزی چیزی کم نکرده است یعنی باید این سیصد تن که بکارخانجات بدهد غیر مستقیم داده است و البته این تفاوت معامله بین کاظم ملک است و آن کارخانه ما يك پنبه ای باید بدهیم بکارخانجات این پنبه بطور غیر مستقیم داده شده است اگر تفاوتی هم گرفته شده است این تفاوت بین کاظم ملک است و البته خودشان هستند این را هم بنده شنیدم و مربوط بما نیست این چیز هائی است که واقع شده . و اما راجع به راه دامنه عرض کنم وزارت کشاورزی وقتی شروع بساختن کوهرنگ میکند راه کوهرنگ را میخواهد درست بکنند مناقصه میکنند از دامنه به تنگ گزی در مناقصه شرکت کشوری برنده مناقصه شناخته میشود با او قرار دادی می بندند و تا بحال هم مطابق حسابی که اخیراً داده بودند بیش از سی و شش هزار تومان تا بحال کار نکرده اند یعنی برای این مناقصه که داده شده است از دامنه به تنگ گزی در خلال این احوال مناقصه کارمز اجفه میکنند بوزارت کشاورزی میگویند برای اینکه ما بتوانیم از دامنه به تنگ گزی مناقصه داریم شروع کنیم لازم است راه داشته باشیم و راهی که سابقاً وزارت راه از اصفهان بدانته داشته است و برای آن زمان وقت است این راه خراب شده است قابل عبور نیست مکانهاست زیادی بین وزارت

کشاورزی و وزارت راه بعمل آمده و بالاخره موافقت کرده اند با مقاطعه کار قرار داده اند که دستوری بدهد البته در این مورد مناقصه بعمل نیامده است مقاطعه کار شروع بکار کرده است مطابق حسابی که فرستاده است بوزارت کشاورزی این حساب در حدود دو بیست هزار تومان است و حالا خواستم عرض کنم که هر کس با آقا اطلاع داده است پولی از این بابت تابحال داده شده خلاف است و ما تا بحال چیزی نداده ایم (یک نفر از نمایندگان - بعد هم ندهند) بعد هم البته اینجا حسابداری وزارت دارائی چون عمل را بر خلاف قانون محاسبات عمومی تشخیص داده است از دادن پول برای راه از اصفهان تادامنه خود داری کرده است و ما هم تابحال پولی نداده ایم فقط بنده لازم میدانم عرض کنم که کلیه به مقاطعه کار از بابت راه کوهرنگ بیش از دو بیست هزار تومان تابحال پرداخت نشده یعنی کاری نکرده اند از دامنه به تنگ گز و این راه فرعی هم البته آن مورد مذاکره است از وزارت راه و دارائی یک شرحی نوشته اند و تقاضی شد بوزارت کشاورزی بنویسند بآنجا تا بدانیم اعتراضات وزارت راه تا چه اندازه وارد است صحیح است یا نیست و اگر بطوری که فرمودند چون وزارت راه هنوز جواب نداده است اگر اینطور باشد که آقا میفرمایند این راه ساخته شده بود و قابل عبور بوده البته پولی از این بابت داده نخواهد شد و بنده مطمئناً آقا عرض میکنم که پولی نخواهیم داد و اگر معلوم شود که این راه خراب بوده یا پلهائی لازم داشته و این عمل مفید بوده و این عمل لازم بوده معادل همان مقداری که کار کرده باشند البته در کمیسیون رسیدگی میشود و راه را باز دید میکنند تعمیرات رامی بینند معادل آن چون تعهدی هم وزارت کشاورزی دارد آن را وقتی که تشخیص بدهند چون مقاطعه کار در این میان گناهی نکرده است بالاخره مقاطعه کار که متوجه نیست این کار خلاف قانون است باو گفته اند نوشته اند او هم کرده است حالا باید دید واقعا او کاری کرده است یا نکرده است البته رسیدگی خواهد شد مطابق کاری که کرده است باو موافقت خواهد شد و پول داده خواهد شد و تابحال

هم چیزی داده نشده است .

روحی - بنده خیلی خوشوقت هستم از اینکه پولی از این بابت داده نشده ولی نسبت بآن پنبه بنده خیلی متأسف هستم که یک نظریه مثبتی از طرف وزیر مسئول بمجلس شورای ملی نرسیده است بارها عرض کردم که این قضیه را بنده جرم تشخیص میدهم زیرا این در موقعی شده است که وزیر حق نداشته است و این حق را برای خودم محفوظ می دارم که مطابق قانون محاکمه وزراء در جلسات آینده اعلام جرم بکنم و مطابق قانون رسیدگی بشود .

وزیر کشاورزی - بنده فراموش کردم این را عرض کنم البته جوابی که مادادم به جراید راجع به پنبه مطابق عین واقع و حقیقتی است که از پرونده ها معلوم شده است اما اینکه آقای عدل وزیر سابق کشاورزی در موقعی که این عمل را کرده اند دستور داده اند وزیر بوده اند یا نه این برای وزارت کشاورزی معلوم نیست که بخواهم در این باب عرض کنم که ایشان چهاردهم استعفا کرده اند یا بعد استعفا کرده اند از این جهت ماهیچ اطلاعی نداریم .

[۳ - شور اول لایحه انحصار پنبه]

گزارش از کمیسیون کشاورزی به مجلس شورای ملی
امیر تیمور - بنده با این دستور مخالفم
رئیس - بنده رئیس هستم و گفتم و این را اعلان کردم حالا هم میخوانیمش

امیر تیمور - خوب درست است بنده هم مخالف هستم
رئیس - خوب مخالفت بکنید ولی مخالفت دیگر معنی ندارد من گفتم باید خوانده شود بفرمائید حالا .

امیر تیمور - عرض کنم در جلسه قبل آن لایحه مربوط به ثبت نیمه تمام ماند و دو سه ماده اش باقی است ما همی وقت صرف میکنیم یک کاری را تا می آیم تمام کنیم یک لایحه که ماده اش میماند این را اول میکنیم میرویم بیک لایحه دیگر تمام کارهای مملکت همینطور نیمه تمام میماند و این بیشتر نقص غرض است باید یک کاری را تمام بکنیم وارد کار دیگری بشویم باین جهت بنده

با این دستور مخالفم با خود این لایحه هم مخالفم ولی آن مربوط بدستور نیست بعلاوه با در دستور گذاشتن این لایحه هم مخالفم استدعا میکنم آن لایحه یکی دو ماده دیگرش مانده آن را تمام کنیم بعد وارد کارهای دیگر بشویم .

وزیر کشاورزی - آن لایحه تمام شد و نسبت بشور دوم هم رأی گرفته شد بعد این لایحه برای دستور معین شد
رئیس - گویا سر کار اینجا تشریف نداشتید آن لایحه تمام شد و بورد در شور دوم هم رأی گرفته شد بعد دستور امروز معین شد (خنده نمایندگان) گزارش کمیسیون کشاورزی قرائت میشود .

گزارش از کمیسیون کشاورزی به مجلس شورای ملی .
لایحه شماره ۶۳۴۱ دولت راجع بانحصار پنبه با حضور آقای وزیر کشاورزی در کمیسیون مطرح شده و پس از مذاکرات و مداخله در اطراف مواد آن و توضیحاتی که آقای وزیر کشاورزی دادند با مواد زیر موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود .

ماده ۱ - مجلس شورای ملی انحصار خرید و فروش وارد نمودن ، صادر کردن ، بخش ، نظارت در کشت ، مصرف پنبه و اجازه تأسیس کارخانه پنبه پاک کنی نظارت در بهره برداری از آنرا در تمام کشور بدولت واگذار مینماید .

تبصره - دولت میتواند اجازه ورود پنبه از کشورهای خارجه را به بازرگانان بدهد .

رئیس - آقای امیر تیمور
امیر تیمور - از کارهای بسیار بد و مضرى که برای مملکت در شرف انجام است همین لایحه انحصار پنبه است که آقای وزیر کشاورزی تقاضی کرده اند جزء دستور باشد در سال قبل موقعی که لایحه متمم بودجه بمجلس تقدیم شد یک ماده بنام ماده هشت در متمم بودجه دولت پیشنهاد کرده بود که اجازه داده شود برای سال ۱۳۲۱ تجارت خرید و فروش پنبه در انحصار دولت باقی باشد کمیسیون بودجه باین ماده موافقت نکرد که خود آقای اعتبار هم آن موقع اقتضای عضویت کمیسیون بودجه را داشتند با این نظر شریک بودند خودشان هم موافقت کردند پس نباید این

موافقت کردیم که انحصار پنبه بضرر کشاورزی کشور است و آن ماده پیشنهادی دولت از قانون متمم بودجه حذف شد بعد آقای وزیر کشاورزی ماده ای پیشنهاد کردند برای سال ۱۳۲۱ واستدلال ایشان هم این بود که اگر امسال این پنبه از انحصار ما خارج بشود بواسطه مساعدتهائی که دولت پرداخته و یکی دو میلیون مطالبات دارد مطالبات وصول نخواهد شد و برای اینکه ما وقت داشته باشیم مطالبات خودمان را وصول کنیم موافقت میشود برای سال ۱۳۲۱ فقط این پنبه در انحصار باقی بماند و در ۱۳۲۲ آزاد خواهد بود مجلس شورای ملی هم با در نظر گرفتن این موضوع و با قبول این تقاضی فقط برای سال ۱۳۲۱ و صورت مشروح مذاکرات مجلس گواه صدق عرایض بنده است البته انحصار موقعی پسندیده است و موقعی - مورد موافقت باید قرار بگیرد و مجلس شورای ملی باید آنرا تصویب کند که وضع کشور و انحصار پنبه را باید ببیند اگر با انحصار دولت یک ترتیباتی برای بهبودی و از یاد محصول پنبه و ترقی زراعت پنبه در نظر داشته باشد و حالا هم بخواهد آن عملیات خودش را تمام بکند البته باید ماهم موافقت بکنیم که انحصار باشد اما سابقه عمل را ببینیم قبل از اینکه دولت مداخله در پنبه بکند سالهای سال است که پنبه کاری در ایران بوده است بطور آزاد اگر در سال ۱۳۱۴ دولت بفکر این افتاد که باستناد قانون تجارت خارجی مسئله انحصار صدور پنبه را هم بخودش اختصاص بدهند اول منظور دولت از این عمل این بود که چون یک قرارداد تجاری پانیا (تهاتری) با دولت روس بسته بود و ضمن این قرارداد دولت تعهد کرده بود که سالی ۲۰ هزار تن پنبه ما بآنها بدهیم برای یکی دو سال که مدت آن قرارداد بود دولت تصور کرد که اگر پنبه بطور آزاد باشد شاید تعهد خود شرا در مقابل دولتی که تعهد کرده است نتواند انجام بدهد باینجهت گفت بهتر است که در انحصار باشد باین جهت تجارت خارجی پنبه را بانحصار خودش در آورد و برای انجام این مقصود یک شرکت تجاری یک شریک

آزادی تأسیس کرد که خرید و فروش پنبه را در داخله کشور برای صادرات بعهده آن شرکت واگذار کند آن شرکت هم عمل کرد البته در یکی دو سال اول شرکت بسا اینکه باز هم وجودش برای مردم ایجاب زحمت بود بازطوری رفتار کرد که بر سر و صدائی از مردم بلند نشد ولی بعداً دولت از سال ۱۳۱۸ که خودش احتیاج مبرمی باسعار خارجی داشت و در مقابل کارخانجات و برای خرید اشیاء ولوازمی که برای مملکت روز بروز وارد می کرد و در تراید بود و مقدار آن هم محدود نبود در صد بر آمد بهر وسیله که باشد متشبث بشود و بهر قسم که ممکن است یک ارز خارجی مثل دلار و امثال آن فراهم کند برای خریدهایش که بتواند احتیاجات خود را تأمین کند بنابراین برای انجام این مقصود در سال ۱۳۱۸ دولت آمد و آن شرکت تجارتي را تقریباً منحل کرد و کار تجارت صادرات پنبه را منحصر آداد با اداره اقتصادی وزارت دارائی قبل از این عمل دولت طبق ارقام موجوده در گمرک دولت در تمام ولایات ایران محصول پنبه و مقدار زراعت پنبه ایران که صادر می شد و مصرف می شد پنبه خالص در سال ۵۰ هزار تن بود و در نتیجه این عمل دولت این مقدار رسید به ۸ هزار تن و تنزل گرد بطوری که در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ بر اثر تصدیی دولت پنجاه هزار تن به هشت هزار تن رسید و ۴۲ هزار تن از محصول پنبه ایران نکس کرد چرا؟ برای اینکه اولاً طرز عمل دولت با زارع و کشاورز پنبه بقدری نامطلوب بود و بقدری بد بود که برای آنها جز ازیت و آزار و ضرر و خسارت بهره بردند و چیز دیگری عایدشان نشد که تشویق بشوند به پنبه کاری برای تجارت و برای مصرف داخلی (صحیح است) پنبه داخلی که بنام پنبه ولایتی موسوم است پنبه ایست که زارع می کارد (در تمام نقاط ایران) برای مصرف داخله برای مصارف خودش (صحیح است) برای رفع احتیاجات خودش از چادر نشینش از کرباسش از لباسش از هوله اش از قلیقه اش تمام احتیاجات خودش را از این پنبه ولایتی که می کاشته تأمین می کرد (صحیح است) از همین پنبه ولایتی و مصرف می کرده و در

تمام نقاط ایران (صحیح است) مخصوصاً در نقاط عمده خراسان چونکه خراسان پنبه کاریش در ایران از همه جا بیشتر است که این قسمت عملی می شد شما بروید بسبزوار یا تربت جام یا سایر نقاط دیگر می بینید که بیشتر پنبه های آنجا پنبه ولایتی است و آنها هم برای تأمین احتیاجات داخلی و خانوادگی و روستائی و کشاورزی است که با آن پنبه ولایتی میتواند چادر شب و لباس و کرباس و کفن خودش را تهیه کند تمام اینها با پنبه ولایتی بود بکقسمت هم برای صادرات بود پنبه تجارتي بود که به پنبه امریکائی موسوم بود این پنبه امریکائی هم در اغلب نقاط ایران مرسوم و باب شد مخصوصاً در خراسان هم کشت این پنبه نخج کاملی گرفت و متداول شد و هر کس که زراعت پنبه میکرد پنبه اش را بسهولت در اثر وسائل حمل و نقل که بود بکارخانه پنبه پاک کنی می فرستاد و در محل اشخاصیکه پنبه کاری میکردند با مؤسسات تجارتي محلی یک کارخانجات پنبه پاک کنی هم در همان محل این دو تأسیس میکردند فرض کنید مثلاً در جام که یکی از مهمترین نواحی پنبه خیز ایران است (شاید در ایران هیچ ولایتی با اهمیت جام نباشد) و نقطه پنبه خیزی بود و زراعت پنبه میشد چهارتا و پنج تا کارخانه پنبه پاک کنی هم در آنجا دایر میشد برای اینکه زارع پنبه اش را که از روی زمین جمع میکرد تحویل بدهد بکارخانه کارخانه هم در همانجا پنبه را پاک میکرد راز هر صد من پنبه ۷۰ من پنبه تخم و ۳۰ من پنبه خالص باو میداد این ۷۰ من پنبه تخمش باز برای احتیاجات روستائی و برای احتیاجات کشاورزی در خود محل مصرف میشد یعنی بیشتر میدادند بگاو میدادند مخصوصاً گاو تر که باید بصحرا برود و زمین را شخم بکند بخصوص در زمستان تا پنبه تخم باو ندهند نمیتواند زمین را شخم کند یا برای نواله شتر میدهند که بار ببرد برای اینکه باربری ما قبل از اتومبیل و همین الان هم در نواحی معمول است که با شتر میشود و حالا هم باید باشد و شتر نمیتواند مداومت به باربری بدهد مگر اینکه پنبه تخم بخورد و اگر بدون پنبه تخم مشغول باربری بشود ۷ یا ۸ روز که کار کرد و بار ببرد همین حیوان

وا میماند علاوه بر گاو و شتر باز این بمصرف خوراک بز و گوسفند میرسد و گوسفندها در زمستان در آغل که هستند خوراکشان پنبه تخم است تا شیر بدهند پس این کارخانجات پنبه پاک کنی این پنبه تخم را که تهیه میکردند برای احتیاجات محلی مصرف میشد و عرض کردم تقریباً از هر ۱۰۰ من ۶۶ من میرفت برای پنبه تخم و برای احتیاجات کشاورزان و ۳۴ منشی هم پنبه خالص بود برای تجارت خارجی ایران حاضر میشد و عدل بندی میشد و بمرکز تجارتي تحویل میشد و می بردند بمرکز شهرها تا بار بکنند و روانه بکنند وقتی دولت آمد و شروع کرد و دست زد با این کار اولی کاری که کرد یک عده شیاد و یک عده حقه باز دور دولت را گرفتند و دور وزیر جمع شدند فکر وزیر را دزدیدند و بنای خیانت را گذاشتند کارخانه را که برای پنبه پاک کنی بود گفتند باید متمرکز باشد باید در تحت یک اداره باشد یعنی چه؟ یعنی برای انجام مقصودشان تمام این کارخانجات پنبه پاک کنی را در تمام نقاط خراسان و در تمام نقاط ایران برداشتنند و بردند و خراب کردند و شکستند که دیگر برای رعیت میسر و ممکن نباشد و مقدور نباشد که پنبه خودش را در محل بتواند بدهد تمیز کنند و پاک کنند و پنبه تخمش را جدا کنند و باو بدهند آمدند برعکس رعیت را مجبور کردند که پنبه اش را بیاورد بمرکز تجارتي که خودشان معین کرده بودند مثلاً از تربت جام مجبور بود زارع پنبه اش را ببرد بمرکز تجارتي سی چهل فرسخ دورتر و بجای کرایه ۳۰ من کرایه ۱۰۰ من باید بدهد چون ۷۰ من تفاوت کرایه سابق بمنفعت رعیت بود و حالا بضرر رعیت تمام شد بعد پنبه تخم مورد احتیاج خودش را هم باید از آن مراکزی که دولت چیز کرده است از آنجا بگیرد و چهل پنجاه فرسخ بر گرداند بمحل (آنها را اگر بدهند) حالا شما حساب کنید تفاوت این عمل چقدر بضرر رعیت تمام میشود (صحیح است) حالا تازه چقدر پنبه تخم میدهند به رعیت؟ و آیا زود میدهند یا نه؟ رعیت باید ۵ روز ۱۰ روز ۲۰ روز یک ماه دو ماه سه ماه بزند آنجا معطل بشود موی سینه اش بکنند بمانند آنوقت باو میگوید برو

تصدیق حاکم را بیاور برو تصدیق کمیسری بیاور تصدیق زهر مار بیاور تصدیق کشاورزی بیاور تصدیق دارائی بیاور که بتوانی پنبه تخم خودت را برای احتیاج خودت که میخواهی (نه برای فروش) ببری بعد از مدتی که این مردیکه بیچاره آنجا معطل میشود تازه اگر ۲۰ خروار لازم داشته باشد و مال خودش باشد باو فقط ۵ خروار میدهند نمونه اش را هم الان در مجلس نشان میدهم همین آقای مؤید ثابتی برای یک عده از کشاورزان که یک عده حیوان دارند برای چند نفر مقداری پنبه تخم خواسته بودند از کشاورزی بعد از سه ماه دوندگی که رفته بودند تازه بایشان وعده داده بودند که در حدود ۱۰۰ من بدهند ملاحظه بفرمائید این اشخاصی که آنجا هستند و آنجا نشسته اند هیچ نفی فهمند نمی دانند مردمان لایقی نیستند آقا اقرار کنید که نمی فهمند اینکه اشکالی ندارد چونکه این اعمال یک اعمال فنی است و در نتیجه همین تمرکز فوائد هنگفتی بردند و خرج کردند و این بلارابسر زارع آوردند از آن طرف در نتیجه عملیات این شرکتها و حقه بازها بکلی زراعت پنبه از بین رفت این یکی یکی دیگر اینکه زارع پنبه که باید پنبه اش را حمل کند و بیاورد تحویل آقاییان بدهد که آنرا حمل کنند در موقع تحویل بحق خدا قسم چه سخت گیری هائی نسبت باو میکنند و چه کارها بسراو می آورند که او هم باید قبول کند و عمل کند تا در نتیجه از بین برود زارع میرود برای تحویل دادن پنبه باز هم میرود بهمان مرکز زارع باید ۵ روز ۱۰ روز یکماه دو ماه زیر آفتاب و باران گرما و سرما معطل شود تا قیام دار اداره حاضر شود پنبه او را قیام کنند و از او تحویل بگیرد باید ازش پول بگیرند متعارف بگیرند و فحش بدهند پدرش را در پیشاورند تازه آن ۱۰۰ من پنبه اش را هم ۵۰ من از تر از او در پیشاورند یک رسید ۵۰ منی باو بدهند و بگویند آقا بفرمائید بکنید این رسید ۵۰ منی پنبه تان است بعد از دو ماه معطلی این چه پنبه ایست بقیه آن چه میشود؟ یک عده مفتخوری که هستند همین ادوا میخورند این هر چه و مرغ و حقه بازی ایست که در این چند

ساله میشود در هر حال آقای اعتبار این بود جریان این کار حالا خوب نباید من کاری ندارم ملاحظه بکنید در این سنوات اخیر يك قدمهائی برای صنعت این مملکت برداشته شد و این فکر صنعتی شدن مملکت ایران هم همیشه مخالف نظریات و مخالف منافع اجانب بوده است و مخالف میل خارجیها بوده است. خارجیها در این موضوع کتابها نوشته اند مراسلات نوشته اند مجلات منتشر کردند و روزنامه ها نوشتند که اگر بخواهید بنده در بین نوشتجات دیپلماسی که در دسترس هست اینها را جدا کنم و بیاورم و بشما نشان بدهم که به بینید همیشه نظر خارجیها این بوده است که از صنعتی شدن این کشور بهر وسیله ای که بتوانند جلو گیری کنند در ایران چندین کارخانه آمد کارخانه پنبه پاک کنی کارخانه نساجی کارخانه ریسمان بافی اینها برای چه بود؟ برای این بود که مواد پنبه ای خود این مملکت یعنی مواد اولیه اش در همین جا تهیه و در این کارخانجات و در همین مملکت عمل بیاید مصرف شود و این کارخانجات آنها را بصورت متاع در آورد و مصرف داخلی را تأمین کند و بعد از آن مازادش را هم چیز دیگری درست کنند بعوض نخ، مثلاً چیت یا چیزهای دیگر که کارخانه اش در این مملکت وارد شده نساجی کنند و درست کنند و به مصرف برسانند. خوراک همه این کارخانجات هم پنبه است. در این چند سال اخیر هم یعنی از موقعتی که این کارخانه ها آمد باین کشور شاه سابق در نظر داشت که مواد اولیه خوراک این کارخانه ها در داخله تهیه و تأمین شود و توجه مخصوصی داشت که کم و زیاد هر چیزی که هست باینها برسد و این کارخانجات صنعت نساجی و نخ ریزی را در ایران رواج بدهند و خودشان متاع تهیه بکنند. یعنی این طفل نوزاد را مراقبت کنند که نمیرد و به رشد برسد. اما متأسفانه قبل از اینکه برسد برسد در همان سال هبای اول نوزادی بکلی دارد از بین میرود از آن طرف هم طرز عمل دولت راجع به پنبه و کشت پنبه را اینچنین برضمان رساندم که از ۵۰ هزار تن محصول پنبه کشور ۴ هزار تن کبر شد و در نتیجه عمل دولت به ۸

هزار تن رسید. همین امساله شما ۲۰ هزار تن پنبه برای کارخانجات داخلی خودتان احتیاج دارید که باید از خارج بیاورید در صورتیکه شما سالی ۳۰ هزار تن پنبه خارج میگردید. این عمل انحصار موجب این خواهد شد که زراعت پنبه همانطوریکه در ایران از ۵۰ هزار تن به ۸ هزار تن رسید حالا بکلی از بین برود و شما برای احتیاجاتتان مجبور باشید به بازارهای خارجی دست دراز بکنید. پنبه هندوستان بیاید بایران پنبه مصر بیاید بایران پنبه عراق بیاید بایران چه بهتر از این که میگویند پنبه عراق بازارش ایران باشد و بایران بفرود. یا چه بهتر از این که پنبه مصر بازارش ایران باشد یا چه بهتر از این که پنبه هندوستان بازارش ایران باشد. برای اینکه آنها صاحب دارند و این مملکت صاحب ندارد. برای اینکه آنها با اقتصادیان و زراعتش و به فلاحتش رسیدگی میکنند و همراهی و مساعدت میکنند و در این مملکت رسیدگی نیست و یک اداره ای که سه تا پایش دزدی و تقلب بوده است بیک وزیری داده میشود و آن وزیر هم ندیده و نسنجیده يك لایحه ای میآورد. شما با این لایحه پنبه ایران را بنفع اجانب از بین خواهید برد و دست این مملکت را پیش اجانب دراز خواهید کرد. شما با این لایحه سبب میشوید که پنبه مصر و عراق و هندوستان وارد ایران بشود. شما با این لایحه وسیله ای فراهم خواهید کرد که کارخانجات داخلی ایران که در مدت ۲۰ سال با خون جگر این ملت و این مملکت تأمین شده از بین بروند و بواسطه نداشتن محصول یکی بعد از دیگری بخواهد و از بین برود. این بود مجموع عرایض بنده در کلیات برای مخالفت با این لایحه حالا آقایان میل دارند تصویب بکنند امروز مقدرات این قوم و این کشور بدست شما افتاده است شما میدانید و تاریخ آینده ایران این بود عرایض بنده در کلیات البته آقای وزیر کشاورزی هم در اینخصوص فرمایشاتی خواهند فرمود خود دانند.

وزیر کشاورزی - موقعی که لایحه پنبه در کمیسیون مطرح بود بنده از يك عده از آقایان خواهش کردم کمیسیون

هم دعوت کرد که تشریف بیاورند آنجا و یکی از آنها همین آقای امیر تیمور بودند که تشریف بیاوردند به کمیسیون تا مطالبی که هست بگوئیم و توضیحاتی که هست بشنوند. آنوقت اگر چنانچه متقاعد نشدند البته جادارد که بیش از این هم اظهاراتی بفرمایند و سوء ظن نسبت بعمل بکنند. ولی متأسفانه تشریف بیاوردند با اینکه هم از طرف کمیسیون دعوت شدند و هم بنده خودم خواهش کردم که ایشان تشریف بیاورند حرفها را گوش کنند ارقام را به بینند آنوقت يك اظهار نظر قطعی بفرمایند. و ما تشریف بیاوردند و اگر تشریف میآوردند و از ارقام و اطلاعات و آمار اطلاع پیدامی کردند بهتر بود و من میدانم این آمار را که ایشان فرمودند از کجا آوردند؟ این آمار صحیحی که میفرمایند درستترس ایشان گذاشته شده از کجاست و چه مأخذی دارد من قطع داشتم که اگر ایشان به کمیسیون تشریف میآوردند و اطلاعات و ارقام و آمار صحیحی را که ما داشتیم درستترس ایشان میگذاشتیم می دیدند قطعاً فکر ایشان عوض میشد. در موضوع پنبه و کشت پنبه آقای امیر تیمور اولاً يك رقمی دارند که میفرمایند ۵۰ هزار تن. بنده از حالا عرض میکنم که این رقم صحیح نیست. پنبه قبل از اینکه شرکت مرکزی در این کشور تأسیس بشود يك رقم خیلی کوچکی بود يك پنبه بدی بود که هیچ جا آن را نمی پسندیدند و قابل هندور هم نبود و البته دهاتیها همانطور که آقایان فرمودند پنبه ولایتی را میکاشتند برای مصارف داخلی خودشان. حالا کرباس است طناب است من میدانم از این حرفها عرض کنم که بایستی تصدیق کرد که شرکت مرکزی در نتیجه مجاهدتی که کرده است پنبه کشور را از آن وضعیت بد بر گردانده است و وارد يك مرحله دیگرش کرده است و امروز پنبه ایران يك پنبه ای است که خوب شده است از هر جهت و در هر بازاری خریدار دارد و طالب دارد و از هر حیث نسبت سابق مرغوب تر و بهتر شده است و اینهم نتیجه مجاهدت های زیادی است که شرکت مرکزی کرده است. شما قبل از شرکت را

ملاحظه بفرمائید يك پنبه بومی در این مملکت بعمل میآید زارع نه از پنبه فیلیستانی خبر داشت و نه از پنبه مصری خبر داشت و نه پنبه آمریکائی را میدانست هیچ اینها را بلد نبود و اینها در اثر مساعدت و مجاهدت شرکت مرکزی در این مملکت انجام شد. البته بنده تصدیق میکنم که در خراسان شما پنبه آمریکائی تهیه میشود خوب هم عمل میآید ولی تصدیق بفرمایند که آیا قبل از این هم بود؟ انصافاً نبود آقای. و اما از حیث رقم که آقا فرمودید ۵۰ هزار تن در این کشور پنبه کاری میشد. بنده تعجب میکنم با اینکه ما آماری نداشتیم این رقم از کجا آمده است؟ آمار ما از وقتی شروع شد که شرکت مرکزی تأسیس گردید که معلوم شد چقدر جواز میدهد و چقدر بذر میدهد و چقدر مردم تعهد میکنند و چقدر در نقاط مختلفه بعمل میآید و در نتیجه اینها يك آماری تهیه شد ولی قبل از او که از این حرفها نبود حالا این آمار را آقای امیر تیمور از کجا تهیه کردند که ۵۰ هزار تن پنبه در ایران کشت میشده است بنده میدانم

منشور - در جغرافیای ابتدائی مدارس نوشته است

وزیر کشاورزی - بنده میدانم. عرض کنیم این جا فرمودند که لایحه ای که مورد بحث است و این انحصار موجب بدبختی و این حرفها است. باید عرض کنم که انحصار پنبه در شرف انجام نیست و الا آن سالها است که پنبه در انحصار دولت است و با آن بیانی که آن روز آقای طباطبائی فرمودند که قانون متمم بودجه برای يك سال است بنده رفتم و مطالعه کردم و مراجعه کردم به قانون مدنی دیدم خلاف آنرا در آنجا میگوید. قوانین تا لغو نشده است بقوت خودش باقی است. پس قوانین و موادی که در ضمن قانون متمم بودجه از مجلس گذشته و از نظر بودجه ای نیست و فقط برای يك سال قید نشده مثل مواد بودجه ای برای يك سال نیست و تا قانون دیگر بوسیله مجلس شورای ملی وضع نشود و آنرا نقض نکند بقوت خود باقی است. عرض کنم بیاناتی که فرمودید در خصوص کشاورزی

این هم بنظر بنده آقای امیر تیمور هیچ دلیل و منطقی ندارد بجهت اینکه کشاورز وقتی که همیشه از طرف شرکت باو کمک میشود از طرف انحصار پنبه هر نوع مساعدتی باو میشود یعنی مساعدت داده میشود زمینش را تراکتور میزنند و بذر میدهند و تمام مساعدتهای لازمه را میکنند آن ها هیچگونه گله مندی و شکایتی ندارند. البته ممکن است بنده تصدیق کنم که گله مندی را يك طبقه ای دارند که مربوط به کشاورز نیست و من میخواهم استدعا بکنم که این دو طبقه را تفکیک بکنند از هم و فرق بگذارند بین کشاورز و آن کسی که سنگ کشاورز را بسینه میزند. این دو تا با هم فرق دارند آقا کشاورز همیشه میخواهد با دولت معامله کند برای اینکه اگر غیر از این باشد و اگر ما بدهیم بدست کارخانجات یا دیگران يك صورت خرج هائی برای آن ها درست میکنند مساعدت های قبلی که باو میدهند ربحتش را ازش کسر میکنند و در نتیجه يك مبلغ ناچیزی باو میدهند که از هر حیث بضرر کشاورز است و بنفع آن اشخاص. بعقیده بنده در قسمت کشت پنبه و عملی را که الان اداره پنبه از نظر بذر میکند و کارها و اقداماتی را که وزارت کشاورزی میکند از بابت بذر خوب و نیامدن بذرهای آلوده باین کشور اینها هم يك داستان خیلی مفصلی دارد آقا که اگر ایشان میآیندند به کمیسیون و میدیندند و می شنیدند تصدیق میکردند که عملی را که دولت انجام میدهد برای پنبه از هر جهت بنفع کشاورز و بنفع این کشت این محصول است اینجا فرمودند که رقم و میزان پنبه ما رسیده بوده است به ۵۰ هزار تن و ۴۲ هزار تن کسر شده ۸ هزار تن داشتیم این هم صحیح نیست. ما هیچوقت ۵۰ هزار تن پنبه نداشتیم با آن مراقبت و زحمتی که شرکت مرکزی کشید و مجاهدتهائی که کرد محصول پنبه این کشور رسیده است به ۳۱ هزار تن و يك چیزی کمتر یا بیشتر که در این کشور پنبه تولید شده این آخرین رقمی است که ما از شرکت مرکزی در دست داریم. البته بنده تصدیق میکنم که بعد از قضایای شهر یور وضعیت پنبه یعنی آن پنبه ای که بدست دولت آمده است

کم شده است خیلی کم شده است این را تصدیق دارم ولی آیا این دلیلش این است که کشت بد بوده است؟ نه دلیلش این بوده است که کشتش کم شده بنده این را تصدیق ندارم. این هم دلیلش خیلی روشن است کارخانجات ما همیشه در تمام این مدت يك روز هم برای نداشتن پنبه تعطیل نبوده است پنبه ای هم از خارج (جز يك دو فقره که آنرا هم هنوز وارد نکرده اند یعنی اجازه خواسته اند بهشان جواز هم داده شده است ولی هنوز موفق نشده اند وارد کنند نمیتوانند هم وارد کنند و با نبودن وسائل حمل و نقل نتوانسته اند وارد کنند و وارد هم نشد) باین کشور وارد نشده و این کارخانجات هم مرتب کار کرده اند و دارند کار میکنند منتهی ما با آنها نداده ایم و آنها خودشان رفته اند و خریده اند. حالا از کجا آورده اند؟ ما نتوانستیم جمع آوری کنیم در اثر قضایای شهر یور که همه میدانید و آنها خودشان رفته اند و خریده اند آقایان هم باید بدانند که میزان کشت پنبه نسبت بسابق هیچ کم نشده بلکه میخواهم عرض کنم زیادتر شده ولی چون قیمتی را که برای پنبه در نظر گرفته بودند مطابق آن مقررات سابق نسبت بمحصولات دیگر که قیمت هایش بالا رفته هیچ تناسب نداشت ۲۵۰ تومان هر تن و ش را سابق دولت میخرید و با ترقی که سایر محصولات کرده بود متناسب نبود. از این جهت کمیسیون کشاورزی هم در چند ماه پیش آمد و مقرر کرد که پنبه ای را که ۲۵۰ تومان و شش را میخرند بخرند ۶۰۰ تومان. در این لایحه هم همانطور که بنظر آقایان میرسد و پیش بینی شده اساساً ما تعیین قیمت نکردیم و نسبت باین محصول یا هر محصول کشاورزی اساسی و واحد را باید گندم و جو گرفت یعنی گندم و جو در هر مرحله ای که باشد و هر قیمتی که داشته باشد بهمان نسبت سایر محصولات کشاورزی را هم باید خرید و برایش قیمت معین کرد یعنی اگر ما الان بگوئیم ۶۰۰ تومان یا بگوئیم ۲۵۰ تومان هیچکدامش صحیح نیست. هیچکدامش را نمیتوانیم بگوئیم که يك عمل صحیحی را انجام داده ایم و ما اگر واحد را که همان گندم و جو باشد آن را واحد سایر

محصولات کشاورزی قرار بدهیم در موقع تعیین قیمت از هر جهت کاملاً بنفع کشاورزی و پنبه اش را بقیمت صحیح و متناسب و خوبی خواهد فروخت و اما اینجا آقای امیر تیمور يك توجهی فرمودند نسبت بصنعت کشور و کارخانجات که ما اگر این قانون را تصویب کنیم کارخانجات ما از بین میرود. بنده عکس این را عرض میکنم و عرض میکنم اگر این قانون را تصویب نفرمائید این کارخانجات از بین میرود و متأسفم از اینکه آقا چرا تشریف نیاوردند بکمیسیون که دلائل و توضیحاتی را که در این باب بود و بعرض آقایان رساندم بعرضشان برسانم که نگاهداری همین کارخانجات و صنایعی که امروز مورد توجه کشور است ایجاب میکند که حتماً دولت نسبت بمحصول پنبه نظر مستقیم داشته باشد و اگر دولت نظر مستقیم نداشته باشد هیچ معلوم نیست که کارخانجات بتوانند پنبه تهیه کنند. و کار کنند این يك مطلب اصولی است که نمیتوانند پنبه تهیه کنند و این فقط دولت است که میتواند پنبه را تهیه کند و در دسترس کارخانجات بگذارد و البته بنده تصدیق میکنم این عملی را که دولت در سابق میکرده است برای پنبه بنظر بنده صحیح نبوده است زیرا این پنبه را بيك قیمتی از زارع میگرفت و میداد بکارخانجات و کارخانجات هم بهر قیمتی که دلشان میخواسته است محصول آنرا میفروختند. این را بنده پس از این که تقریباً از دو ماه پیش که بنده بودم جلسات مکرری با نمایندگان کارخانجات تشکیل دادیم و نشستیم و صحبت کردیم و بالاخره باین نتیجه رسیدیم که ما اولاً همان عملی را که شما میخواهید نسبت بپنبه بکنید از خارج یعنی اگر از مصر مثلاً يك پنبه را بخواهید وارد کنید و ناچارند يك صدتی سی این را قبلاً باید کردی باز کنید و اعتبار باز کنید آنجا همیشه ممکن است یکسال و نیم پول شما در بانک معطل بماند ما این جا همین عمل را با آنها میکنیم و يك سرمایه ای داشته باشیم که دیگر بر بودجه کشور مزاحمتی با داریه پنبه نداشته باشند و بشان هم همین مبلغی که شما نرخ را میفروشید همان مبلغ هم پنبه را از ما بخرید البته با تفاوتی که اینجا

حاصل میشود و روی يك تفاوتی که حاصل میشود راجع به تبدیل پنبه به نخ ما پنبه مان را خواهیم فروخت و پس از اینکه پنبه مان را فروختیم بهمان نسبت هم بکشاورز پول خواهیم داد. از این جهت این لایحه کاملاً بصرفه کشاورز است از یکطرف هم بصرفه همان صنعتی است که شما مورد توجه تان است و اگر چنانچه این طرز نباشد بنده ناچارم این جا عرض کنم که وضعیت کارخانجات شما تحتل خواهد شد و معلوم هم نیست که آنها بتوانند پنبه ای تهیه بکنند. این سوابق را بنده خیلی میل داشتم که آقا تشریف میآوردند بکمیسیون و مطالعه میفرمودند که عریض بنده مستند است به سند و دلیل و این آمار بیخودی نیست که همینطور بگوئیم ۵۰ هزار تن داشتیم و ۴۲ هزار تن کسر دادیم و ۸ هزار تن باقی مانده است. سال گذشته جمع آوری ما تقریباً ۱۰ هزار تن بوده است الان هم در حال جمع آوری هستیم الان هم پنبه هائی ما عرضه میشود و داریم میخریم. بنده یکمقدار زیادش را بعد از قضایای شهر یور که گرفتاری هائی ایجاد شد برای این کشور بعضی ها استفاده کردند از خارج و رفتند و خریدند و نزد آنها مانده است و البته آنها هم بکارخانجات دادند یکمقداری هم در دست کشاورز باقی است که ما مشغول مذاکره هستیم که يك ترتیبی برای خرید آنها بدهیم اما آن قسمتی که فرمودند راجع باحتیاجات محلی در يك ماده بخصوص (ماده ۴) ما احتیاجات محلی را از هر جهت تأمین کردیم و قبلاً احتیاجات کشاورزان را از هر جهت مورد لزوم و احتیاجشان است بدون اینکه مقداری برایش قائل شده باشیم که بگوئیم صدی ۱۰ یا صدی ۵ تأمین می کنیم و هر مقداری که واقفاً مورد احتیاجشان است بهشان میدهم.

رئیس - آقای نراقی

نراقی - بنده بخاطر دارم آقای اعتبار وقتی که در کمیسیون بودجه بودند و در آنجا تشریف داشتند یکی از عناصری بودند که این قبیل انحصارات و بالاخص انحصار پنبه را نمی پسندیدند ولی نمیتوانم ورود در دولت چه تأییدی در

فکر و سلیقه ایشان کرد که الان ایشان بایک جدیدت و افری راجع به انحصار پنبه صحبت میفرمایند . در قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ وقتی صحبت الغاء انحصار پنبه بود و بنده هم چند کلمه صحبت کردم در خارج هم خدمت ایشان عراضی می کردم ایشان اظهار موافقت می فرمودند و خوشحال بودم که ایشان با این نیت وارد شوند بدستگاه دولت که شاید این اثر ازین برود ولی نمیدانم آن عناصری که متمم هستند در ایشان تأثیر کردند و بایک جریانات مخفی است که ما اطلاع نداریم که این تغییر عقیده و سلیقه در ایشان پیدا شده است که ماها نمیدانیم . اگر واقعاً یک مصلحت بزرگ سیاسی در کار نیست خوب است همان نظر و عقیده سابق خودشان را حفظ بکنند و اصرار نداشته باشند که دولت را در مجلس فاجع معرفی نمایند و در این موضوع مصلحت را بیشتر در نظر بگیرند و قوت و فکر خودتان را صرف یک عملی که بضرر کشور بنظر میرسد نفرمایند . چند نکته ایشان در جواب آقای امیر تیمور فرمودند که بنده در نظر بود و آن چیزهایی را که آقای امیر تیمور فرمودند من در اینجا نمیخواهم تکرار کنم و همانهایی است که بنده هم معتقدم و ایمان و اعتقاد بصحت و راستی آنها دارم . یکی اینکه آقای وزیر فرمودند آماری که ایشان فرمودند صحیح نیست . خیلی خوب من دلم میخواست خودشان آمار و ارقامی را که صحیح میدانند برای ما بیان کنند که این آمار و ارقام چقدر است . منتهی نخوانند برای ما آن آمار را که چه بوده است و حالا بچه صورت در آمده است . بلکه برعکس خودشان هم تصدیق کردند که به ۳۱ هزار تن و کسری رسیده و آقایان هم شنیدند و فرمودند که شرکت مرکزی پنبه پنبه ای را که صادر کرده است و بدست آورده است به ۳۱ هزار تن رسانده بوده است آقایان هم شنیدند اما سیال گذشته هیچ قابل انکار نیست که فقط محصول پنبه ای که بدست دولت آمده است ۸ هزار تن بوده است . پس در ضمن بیان خودشان سقوط از سی یا ۳۱ هزار تن را به ۸ هزار تن بیان کردند و تصدیق کردند منتهی فرمودند که بوده است و محصولی که جمع آوری

شده است اینقدر بوده است و در سال گذشته محصول واقعی بیش از این بوده است اما دولت نتوانسته است جمع آوری بکنند ولی بالاخره در مملکت بوده است و مصرف شده است همین خودش یکی از دلایلی است که ما با آن معتقدیم و میگوئیم که انحصار خوب نیست . دولت ضعیفی که نمیتواند پنبه خودش را جمع آوری کند با این انحصار صدمه میزند با آن کسی که اطاعت از مقررات میکند یعنی آن قاچاقچی یا آن مالک و زارعی که دور از محیط قدرت دولت است نمیدهد بدولت و بقیمت گزاف میفروشد ولی آن مالک و زارعی که در پنجه قدرت دولت است و اطاعت از مقررات دولت میکند و طبق مقررات رفتار میکند او خسارت می بیند و دولت اینجا باید خودش یک دلالی بکند و بدهد بکارخانه ها و دو برابر و سه برابر بفرود این خودش یکی از دلایلی است که لازمهاش این است که انحصار باید لغو شود و خودتان هم این ارقام و اقلام را فرمودید . یک موضوع دیگر بیان کردند که این انحصار پنبه بنبه کشاورزان است و بضرر بازرگانان و طبقاتی که پنبه میخواهند مصرف کنند ، من خیلی تعجب کردم از این بیان زیرا که یک عده ای از شکایت کنندگان صرفاً زارعین و خورده مالکینی هستند که پنبه تولید می کنند . من از کسی دیگری شکایت نشنیدم شهر خود ما کاشان همشان خورده مالک هستند و همشان شکایت دارند از انحصار پنبه و تمامشان ناله دارند از این اوضاع و از این مأمورین جمع آوری پنبه و الا ما تا چری ندیدیم که بخواهد پنبه درست بکند صرفاً یک مشت زارع کوچک و خورده مالکین هستند که آه و ناله دارند و یک مشت هم صنعتگران کوچکی هستند که با پنبه سر و کار دارند مثل زیلو بافت و کر باس باف طناب باف گیوه چین و غیره اینها شکایت دارند بنده در این مسافرتی که اخیراً بکشان کردم یک ورقه را دیدم که یک کشاورز آورد و بمن نشان داد که واقعاً تعجب کردم و حالا بشیمان هستم که چرا آنرا نیاوردم اینجا تا بفرمایند آقایان برسانم . کشاورزی که آمده است یک من تخم پنبه بگیرد و ببرد نوی زمینش بکارد و یک ورقه ای باو داده اند که برود

آنرا بر کند و بر گرداند . خدا میداند که یک مهندسی باید بیاید و جواب این سئوالات را بکند ، از سئوال کرده اند چند متر زمین داری چند هکتار است چقدر است تخم پنبه میخواهی چه بکنی این زمینت در کجا واقع است چقدر باید بذری بکاری زمین تراز طبقه شنی است یا آهکی یا رستی صفات آن چیست چند من پنبه میتوانی عمل بیاوری کبی میتوانی تحویل بدهی آب و هوای آن نقطه چطور است (خنده نمایندگان) یک سئوالاتی از یک کشاورز پابره نه ای که از چند فرسخ راه پاشنه است آمده است که یک من پنبه تخم بگیرد و ببرد بکارد کرده اند که اصلاً انسان بیزار میشود از پنبه کاری تا چه رسد باینکه بتواند جواب این سئوالات را بدهد و برود پنبه بعمل بیاورد . از یک نقاطی که از همدیگر دور هستند ده فرسخ دوازده فرسخ فاصله دارند یک کسی باید بیاید بمرکز محل خودش آنوقت یک مدتی معطل بشود بعد هم یک چنین ورقه ای باو بدهند که ببرد و بکند یک ضامن معتبر هم معرفی کن و چنین و چنان کن . آنوقت می فرمایند که چرا محصول کم میشود همین مشکلات را که دید اصلاً ترک میکنند و می رود پی کارش آنوقت در موقع برداشت هم مأمورین جمع آوری پنبه بالای سرش هستند و ازش مطالبه میکنند . بنده خدمتشان عرض میکنم کشاورز ناله میکند از تعدیاتی که مأمورین جمع آوری پنبه سر او در می آورند و الا بازرگانان و کارخانه دارها و کسانی که پنبه را مصرف میکنند راضی و خورسند هستند از انحصار پنبه . اگر خاطر آقا باشد پارسال گذشته در موقع طرح قانون متمم بودجه همین موضوع مطرح بود . یکی از نمایندگان محترم ما که بستگی بکارخانه ها دارند و مدافع جدی کارخانها بودند مطلبشان همین بود که دولت با یک قیمت ثابتی پنبه را بکارخانها میدهد و اگر آنوقت کارخانها خودشان بخواهند پنبه بخرند باید از پیش دستمزد پنبه بکنند و بکشاورزان بدهند و پیش بخرند بکنند و اگر اتر بدهند و مقاداری از پنبه بکشاورزان راه در این راه مصرف بکنند و روی این عمل قیمت را هم بالا ببرند ولی دولت بدون پیش قسط و بدون

پیش فروش این پنبه را در دسترس آنها میگذارد و این بنبه کارخانه دارهاست . بنده همان وقت بایشان عرض کردم که این یک منفعت آبی است آقایان ولی دو سال و سه سال که این رویه ادامه پیدا کرد محصول بکلی از بین می رود آنوقت کارخانه اخستان باقی میماند و باید از آمریکا و مصر و هندوستان و غیره پنبه تهیه کنند و بیاورند با قیمت گزاف تا کارخانه تان را بخری بیاورند . اتفاقاً اخیراً بنده دیدم چند نفر از صاحبان کارخانجات که خوش فهم و تحصیل کرده بودند و طالب منفعت آبی نبودند خودشان هم باین نکته برخورد کردند از جمله صاحبان کارخانجات کاشان و صاحبان کارخانه ریسندگی سمنان و صاحبان کارخانه ریسندگی قم . دیدم که آنها هم خودشان باین نکته متوجه هستند که نگاهداری پنبه در انحصار دولت مضر است و خود ما میتوانیم با آسانی مساعده بدهیم بذری خوب هم بدهیم تشویق هم بکنیم از ناحیه خودمان که زارعین و کشاورزان برای ما پنبه تهیه بکنند و لو با قیمت گزاف ما بخریم و بتوانیم از کارخانجات همان حد اکثر استفاده را بکنیم و هر روز هم به اداره کشاورزی و با تشبث چند تن پنبه تقاضا کنیم که آیا بدهند و آیا ندهند و ناچار بشویم از راه غیر مستقیم پنبه بخریم بعد از چند ماه عرض کنم مزاحم تشکیلات یک بنگاه صنعتی و فلاحتی بشود . این است که با آقای وزیر کشاورزی تذکر میدهم که این عراض من روی مخالفت با دولت نیست و بنده کاملاً با دولت موافقم و به لولایح دولت هم رأی میدهم . اما باید رعایت مصلحت مردم و مملکت را هم در نظر گرفت والا بنده عرض میکنم روی موافقت دولت که انحصار فاسفهاش از روز اول این بوده است که موادی که بکارخانه ها ببرد در دسترس عموم گذاشت و دولت ناظر تهیه و مصرف آنها باید باشد آنها باید در انحصار دولت قرار بگیرد مثل تریاک و دخانیات . اما یک ماده ای را که دولت مکلف است تحویل بکشاورزان را زیاد کند و نوعش را بالا ببرد که در داخله و خارجا بچه صرف بشود مثل محصول پنبه انحصار کردن آن بکشاورز تمام نمیشود برای اینکه دولت در دست نمیتواند آن تشکیلات را اداره و اجرا کند آقای وزیر کشاورزی این کلامی را

که از شرکت مرکزی بیان کردند آن برنامه شرکت بود نه عمل به برنامه. برنامه اش این بود که از دیاد محصول پنبه بهبودی و خوب کردن نوع پنبه ایران بیرون کردن و جدا کردن و کنار گذاشتن پنبه بومی و متناسب کردن پنبه هر محل با آب و هوای آنجا اینها همه جزء برنامه های شرکت بود. اما یکی از آنها را هم نتوانست عمل کند. خود جنابعالی شاهد هستید که بنده از شما خواهش کردم که تخم پنبه را بفرستید بکاشان. امر کردید از سمنان یا دیگر فرستاده میشود هیچ واقماً رعایت کردید این تخم پنبه ای که میرود آنجا آیا سرد سیری است یا گرم سیری است؟ تناسب با آب و هوای کاشان است یا نیست؟ چه جوری این امر را گردید؟ والله خدا شاهد است هیچ مصرف نشد. بنده وقتی رفتم بکاشان دیدم که شما چقدر زحمت کشیدید و در حمل و نقلش دقت کردید با کامیون رفت اما آنجا که رسید رفت توی آخور گاو و گوسفند برای اینکه رعایت نشده بود این تخم پنبه متناسب با احتیاجات آنجا هست با آب و هوای آنجا متناسب هست یا نیست. با اینکه خود شما متصدی بودید این رعایتها نشده این است که بنده عرض میکنم که کشاورز و خورده مالک طالب انحصار پنبه نیست صرفاً مصرف کنندگان بزرگ آنها اشخاص کوتاه فکرشان که میخواهند پنبه را بقیمت نازل بخرند مایلند کنه پنبه در انحصار باقی بماند و یکی دیگر اینکه فرمودند اگر انحصار پنبه دولت ملغی بشود کارخانهجات از بین میروند بنده تصور میکنم این حرف صحیح نیست و اگر انحصار بماند با این کیفیتی که هست محصول پنبه را بکس میدهد و برای کارخانه ها در سال دیگری چیزی باقی نخواهد ماند. کارخانه ها که محصول لازم دارند خودشان بهترین مشوق تولید محصول پنبه خواهند بود. این است که باز عرض میکنم در آخر مستدعیام که مصلحت مملکت و ملت را مقدم بنادید بر انجام وظیفه ای که در عضویت هیئت دولت دارید و بر حفظ منافع آن تشکیلاتی که تابعان متمتع از این انحصار پنبه شده اند و منفعت کشور را مقدم بنادید و آن را فوق منفعت

این يك مشت آدم بدانید. وزیر کشاورزی - آقای نراقی فرمودند که بنده در سابق دارای آن نظر بودم که کلیه انحصار ها لغو بشود و خصوصاً دولت در کارهای کشاورزی مداخله نکند حالا هم همین عقیده را دارم و روی این عمل و روی این عقیده هم رفتار کرده ام موقعی که بوزارت کشاورزی رفتم شاید اولین کسی بودم که این تقاضا را داشتم و این موضوع را هم تعقیب کردم سوابقش را هم اگر آقا وارد بشوید بهتان نشان میدهم ولی در حین عمل و در حین تحقیقی که میکردم بر خوردم به نکاتی و با شتابی که آقا هم اگر خودشان میآمدند بکمسیون قطع داشتم اگر بآن اشتباه توجه می کردند در این قسمت تغییر عقیده میدادند. عرض کنم که این کاری که ما تعقیب کردیم نسبت بانحصار پنبه صرفاً از نظر مصلحت کشور و کارخانهجاتی است که خود آقا با آنها اشاره میفرمودند و بنده معتقدم اگر این پنبه در انحصار نباشد شما کارخانهجات تان دیگر نمی تواند کار بکند. عرض کنم موضوع پنبه و پنبه تخم و عملی را که کشاورزان میکنند و اداره پنبه کرده است بنده بهتر از خودتان شاهد ندارم و از خود آقا میپرسم که ما سال قبل در کاشان چه عملی کردیم و چه مقدار پنبه دادیم؟ و چقدر محصول برداشته شد و امسال چقدر اضافه دادیم. میفرمائید تخم سرد سیری است اشتباه فرموده اند تخم سرد سیری نبوده است تخم پنبه که ما فرستادیم بکاشان از گرمسار بوده است و میدانید که گرمسار از لحاظ آب و هوا تطبیق میکرد با کاشان و این هم بنظر بنده يك اشتباهی است که سابقاً بوده حالا هم هست که گفته میشود تخم پنبه انواع تخمهایی که هست متناسب نیست خیر آنها با يك تجربیاتی که از سوابق امر در اداره پنبه هست و موجود است اینها را به تناسب آب و هوای هر محل در نظر گرفته اند البته در سالهای اول همانطور که فرمودید خوب عمل نشده است يك تخمهایی خوب عمل نمیکند در يك محلی ولی بعد متوجه شده اند تخمی که متناسب با آن محل بوده برای آنجا اختصاص داده اند و نتیجه های خوب

هم گرفته اند حالا اگر در کاشان واقماً تخم را بآن مصرف نرسانند و یا خوب عمل نیامد بنده اطلاعی ندارم ولی تخمی که ما برای کاشان فرستادیم از گرمسار بود و در همان موقع هم بخود آقا عرض کردم این مقدار را که ما برای کاشان میفرستیم بیش از میزان ظرفیت و استعداد آنجا است که میتواند پنبه کاری بکند ولی فرمودید که در کاشان آب فراوان دارد زمین مستعد است و رعیت هم دارد هر مقدار بفرستید عمل میشود بنده هم اقدام کردم و فرستادم پنبه تخم را حالا اگر خوب عمل نکرده باشند یا اگر عوض کردند باشند روی اغراض بوده و بحثی بر روزی وقت نیست عرض کنم بنده يك مرتبه دیگر هم اینجا عرض کردم آقا آماری را که فرمودید این آمار را بنده همراه خود آوردم بکمسیون در آنجا هست و از آقا هم دعوت کردیم که تشریف بیاورید و تشریف نیاوردید حالا هم باز خواهش میکنم جنابعالی و آقای امیر تیمور برای شور دوم تشریف بیاورید بکمسیون و آن آمار را که فرمودید ملاحظه بفرمائید که قبل از شرکت مرکزی در کشور اصلاً پنبه يك چیز مختصری بوده است و البته محسوس نبوده است برای اینکه کارخانه نبوده مصرفش هم معلوم نبوده است يك پنبه مختصری تهیه میشد و يك کارهایی هم میکردند ولی وقتی کارخانه آمد و احتیاج پیدا شد آنوقت موضوع مورد توجه دولت واقع شد که اصلاحاتی در کشت و زرع پنبه بکنند و تخم های پنبه بومی را در کشور عوض بکنند و يك پنبه های مرغوب و خوبی در کشور تهیه بشود تهیه هم شد یعنی بنظر بنده موفق شده است خوب هم موفق شده است و از هر کسی بهتر موفق شده است که این بذر و این کشت پنبه را در مملکت عوض کند و مرغوب و بهتر کند البته همانطور که عرض کردم موضوع نکس کشت پنبه از نظر معایبی بود که وجود داشته است در سابق که یکی موضوع قیمت بوده است که قیمت آن تناسب با سایر محصولات کشاورزی نبوده است پنبه را بيك مبلغی می خریدند و حال آنکه برای کشاورز صرف نمی کرده است و حالا ما وقتی که همان پنبه را از او میخریم با قیمت آزاد

کشاورز هم تصمیم خواهد گرفت که با دولت معامله کند و می کند زیرا دولت با او هم مساعده میدهند هم باو کمک و مساعدت میکنند بذر میدهند و مساعدتهائی میکنند که هیچ يك از تجار نمیکند سر خودتان والله نمیکند. یکی دیگر از عواملی که پنبه کاری را محدود کرده است قسمت مهمش راجع بمازندران است آنجا علت اینکه بعنوان پنبه کاریش باین آمد برای فشاری بوده که از لحاظ کشت و زرع شلتوك شده بود سابقاً در تمام کشور شلتوك کاری میشد بعداً قدغن شد و بمازندران فشار آمد که شلتوك کاری بکنند و از این حیث میزان کشت پنبه در آنجا پائین آمد و اما اگر امسال را توجه بفرمائید قرار دادهائی بسته شده که ما در حدود چهار میلیون و ششصد هزار تومان پول دادیم یعنی بهمان کشاورزان پول قرض دادیم و برای اینکه مساعده دادیم به آنها و بنده قطع و یقین دارم که نتیجه که عاید خواهد شد بامراقبت هائی که شده است بمراتب شاید برسد بموقعی که (مطابق آماری که تهیه شده است و البته تمام نشده است) معادل بشود با همان سی هزار تن پنبه که در این کشور سابقاً تهیه می شده است و همانطور که عرض کردم بهمان نسبت هم پائین نیامده است ولی دولت نتوانسته بوده است همانطور که عرض کردم جمع آوری کند پنبه آنجا را پس یکی از عوامل تعیین قیمت و عدم تناسب آن بوده روی ارزانی قیمت که توضیح دادم و یکی هم قسمت محصول مازندران بوده که دولت موفق نشده است پنبه آنجا را آنطور بکه باید و شاید جمع آوری کند. در قسمت احتیاجات محلی هم بنده عرض کردم.

دکتر سنک - مازندران را پارسال ملاحظه فرمودید پنبه اش چقدر بود؟

وزیر کشاورزی - همین الان مازندران شاید تا بندگان محترم هم مسبوق باشند که يك عدد زیادی از تجار و کشاورزان آمده اند و بما مراجعه کرده اند واقماً يك عدد زیادی که این پنبه هائی که الان در آنجا هست و دارند روی آن جریانی که متأسفانه در موضوع پنبه بود در دست شان مانده

و کسی نمیتواند بخرد چون همینطور الان در دست شان مانده است بما عرضه میکنند کیه بخریم و مایمخواهیم يك راهی بر این باز کنیم که بخریم و مشغول مذاکره هستیم پس این خودش دلیل بر این است که ما نتوانستیم در آنجا پنبه را جمع آوری کنیم حالا چرا دولت موفق نشده است پنبه را جمع آوری کند آن هم دلیلش روشن است در مازندران خود آقایان بهتر از همه مسبق هستند (صحیح است) که چرا نتوانسته است نه فقط در این قسمت موفق نشده است بلکه در تمام کارهایی که مربوط بدولت بوده است در اثر آن جریانات شهر بور که پیش آمد دولت موفق نشد جمع آوری محصول را بکند و مأمورین آمده اند و دستگاه های شان را جمع کرده اند یکی دیگر اینکه دولت آنرا برای پنبه کارخانجاتی وارد کرده است و از نظر اهمیت در قیمت فوق العاده مهم و مورد توجه است و تابحال يك مبلغهای زیادی برای ساختمانهای این کارخانجات و ایجاد آنها خرج کرده است (صحیح است) و اینها برای منفعت نبوده و برای کار و ازدیاد محصول پنبه بوده خیلی هم استفاده داده و روی همین استفاده هم بوده است که این رقم را ماقائل شدیم و با این ترتیب خودش را باین جا رسانده است و باین ترتیب بنده در کمیسیون ارقامی را که روی آمار صحیح و ارقامی که شرکت مرکزی تهیه کرده است از روزی که شرکت مرکزی تأسیس شده است تابحال تهیه میکنند میاورم خدمتتان ملاحظه میفرمائید و الان هم احتیاجات کارخانجاتی که الان دارند کار نمیکنند و احتیاج دازند باینکه يك مقال پنبه از خارج وارد نکرده اند تمام این کارخانجات دارند کار میکنند و باین ترتیب خودتان هم تصدیق میفرمائید که محصول پنبه بآن نسبت پائین نیامده است .

رئیس - آقای ملک مدنی .
ملک مدنی - بنده خیلی متأسفم که لایحه طواری است که بنده هم با آن اتفاقاً موافق هستم برای اینکه در موقعی که در سال گذشته آقای عدل وزیر کشاورزی سابق لایحه راجع بانحصار آوردند بنده هم يك نظریاتی را عرض کردم که هست در صورت جلسات که عرض کردم بنظر بنده این کار صلاح نیست و ممکن است باصول زراعت

حاضر نشدند آقایان اعضاء کمیسیون بودجه همه حاضرند و شاهد هستند (صحیح است) که هیچکس حاضر نشد از آقایان پس بنا بر این این عمل يك عمل باصطلاح خوب و صحیحی نیست و وزارت کشاورزی باید خودش را بالاخره مجهز بکند برای اینکه زراعت پنبه را توسعه بدهد و پنبه کاری را تقویت و توسعه بدهد تخم بدهد مساعده بدهد کمک بکند ولی قیمت را هم آزاد بگذارد زیرا این انحصار تولید ضرر میکند و بنظر بنده هیچ فایده ای ندارد (صحیح است) خود آقای اعتبار وزیر کشاورزی اتفاقاً خوب توجه دارن ببه کار کشاورزی و از وقتی که ایشان رفته اند همه جور کار کشاورزی پیشرفت کرده و در مورد زراعت پنبه با اقداماتی که ایشان کرده و میکنند بنده عرض میکنم که اگر فایده نکند برای کشاورز زراعت نمیشود . زراعت هم وقتی صرف نکرد و کسی اقدام نکند از بین میرود . زارع می رود عملگسی میکند روزی ۳ تومان میگیرد الان در تمام ولایات در تمام نقاطی که پنبه کاری میشود آن عمل و کشاورزی که گندم را بایدهر خرواری بخرد ۳۰۰ یا ۴۰۰ تومان ناگزیر است که برود عملگی کند و بطور روز مزد ۳ یا ۴ تومان اجرت بگیرد (صحیح است) تا بتواند زندگی کند و دیگر دنبال زراعت نمی رود . وقتی او قادر است بزراعت پردازد که برای او صرف کند و بتواند بيك قیمت آزاد بفروشد و بهره برد (صحیح است) مأمورین وزارت کشاورزی بنظر بنده با این ترتیب کارشان نقض غرض است و مفید فائده نیست زیرا با این جریان و این انحصار کار زراعت و کشاورزی شما پیشرفت نمیکند و شما اگر تمام قوایتان را هم بکار ببرید ممکن نیست پیشرفت کنید مگر وقتیکه قیمت آزاد باشد و در هزار آزاد بیاید برای فروش و رقابت هم در بین باشد در هر حال بنده خیال میکنم که لگو این لایحه بهتر است این قسمت انحصار را برطرف کنیم ولی نماین قسمتهايش همه بجای خود صحیح است و باقی بماند برای خاطر اینکه آقا در موضوع انحصار مسا اینجانب خیلی صحبت کردیم . دولت شخصاً نمیتواند برای زارع خوب و يك تاجر خوبی باشد . این حرفه همیشه در این جا

گفته شده است و صحیح هم هست . برای چه ما بیاییم اینجا برای يك مشت زارع و فلاح بیچاره ای که میخواهد در فلان مزرعه اش صد من پنبه تهیه کند این همه مواد بنویسیم آنرا انحصار بکنیم يك مأمورینی هم برایش تهیه بکنیم که باید محصولش را بخریم قیمتی که ما میخواهیم بما بدهد اگر هم نداد يك ماده مجازات اینجا برایش بگذرانیم که او را مثل يك نفر دزد و جانی ببرند به دیوان کیفر ملکش را بگیرند حبس کنند و مجازات کنند . حالا بنده يك راه دیگری بنظر آمده است و پیشنهاد میکنم اگر حقیقه دولت اصراری باین عمل دارد . چون شور اول این لایحه است و وقت هم داریم ممکن است حقیقه آقایان شرکتی تشکیل بدهید . دولت هم در آن شرکت سهم باشد دخالت هم بتواند بکند و باز قیمت آزاد بخرد و خود دولت همیشه حقی در جمع آوری داشته باشد و الا نقض غرض است که زارع را بخواهیم تشویق کنیم برای کشت پنبه و توسعه آن یا سایر محصولات دیگر آنوقت يك سد بیموردی جلوی قرار بدهیم که تو اگر رفتی آنجا و پنبه آوردی مجبوری بفلان قیمت بما بفروشی و تحویل بدهی آنوقت خود دولت بفلان قیمت به کارخانه ها بدهد . بعقیده بنده این عمل عمل صحیحی نیست . و اصولاً من با انحصار مخالفم و عرض میکنم اگر این انحصار بشود تدریجاً کشت پنبه از میان میرود دلیلش هم همان است که آقای اراقی اینجا اظهار کردند که محصول سال گذشته با محصول سنوات پیش هیچ قابل مقایسه نیست .

وزیر کشاورزی - عرض کنم بنظر بنده آقای ملک قانون را مطالعه فرموده اند . اگر قانون را مطالعه فرموده بودند تصدیق میفرمودند که ما در اینجا تمام آن منظوری را که ایشان داشتند در واقع تأمین کرده و پیش بینی کرده ایم . یعنی گفته ایم قیمت آزاد بخرد و برایش قیمت معلوم بکرده ایم که بجه قیمت میخریم . البته این اشکالات ذکر محدود کردن قیمت و در تعیین آن ممکن است پیش بیاید که تنی چند بخریم اینها صحیح است ولی هرگز نمیگردد . قبلاً که سابقاً معین میشد ارضی مطالعه فرموده است . ممکن است بنده

امروز يك قيمتی برای پنبه قائل بشوم ولی فردا در شهر بوز ماه
که پنبه محمولش بدست میآید بازاری غیر از این باشد. تازه
آن موقع هم فکر کنیم که این صحیح نبوده است. بنابراین ما
اینطور فکر کردیم و در قانون پیش بینی کردیم که ما قیمت را
آزاد میخوریم. وقتیکه آزاد بخیریم طبیعی است بکارخانهجات
هم ارزانی نمینوروشیم. البته جزیران همین هائی است که بنده
عرض کردم و لازم میدانم زیرا دولت و کشور در حدود ۲۰
میلیون تومان سرمایه دارد الآن و مبالغ گزافی خرج این
کارخانه ها کرده خرج این ساختمانها کرده پول داده است
همه آنها را وارد کرده برای رفع احتیاجات الملکت. حالا
اگر آقایان مایل نیستند که بنده اصراری ندارم و بهتران هم
عرض کردم اگر موضوع پنبه از انحصار دولت بیرون بیاید
و کارخانه چیزی گیرش نیاید البته زارع هم پنبه ای نخواهد
کاشت اگر هم بکار معلوم نیست بدست کتی خواهد افتاد.
این حقیقت را من باید عرض کنم. اخیراً هم که ما خواستیم
يك شركتی درست بکنیم و در جلسه ای که با حضور يك
عده ای از مالکین منعقد شد در حدود ۲۰ میلیون تومان
الآن ما سرمایه ای است که داریم و این ۲۰ میلیون تومان
شامل ساختمانها و کارخانهجات است و این را باید در نظر
گرفت. حالا اگر مجلس شورای ملی معتقد است که صلاح
نیست بنده هم اصراری نمیکنم در این باب ولی تا کنیم که
بعضی مجلس شورای ملی برنام که بشیمان خواهد شد.

رئیس - آقای نقابت
نقابت - عرض کنم بنده شخصاً هیچ دخالتی در پنبه
در زراعت یا صنایع پنبه یا تجارت پنبه ندارم. لیکن
از لحاظ علمی و اقتصادی و حقوقی چند نظر دارم نسبت به این
لايه که باید بدیم شاید مورد توجه آقای وزیر کشاورزی
واقع بشود. یکی اینکه باور من این لایحه هیچ حاجت نبود
که وقت مجلس در وقت خودمان را تلف بکنند زیرا این طبق
قانونی است که ما کهنرالدین هر چند روز قبل از اختیار داریم
و آقای رئیس کل دارائی میگویند بود ایشان یکی از آن آنگ
بله ها در وقت پنبه بود و بنده بیک طرفی عمل بکنم.

اگر میخواستند دخالتی در مواد صنایعی یا زراعی بکنند
حاجتی باین عمل نبود. دوم اینکه تبصره ماده يك میگوید
دولت میتواند اجازه ورود پنبه از کشورهای خارجه را به
بازرگانان بدهد و لیکن در متن ماده وارد کردن و صادر
کردن پنبه در اختیار دولت است. پس وقتیکه در متن ماده
وارد کردن و صادر کردن هر دو در اختیار دولت است آنوقت
اضافه کردن يك تبصره که دولت میتواند اجازه ورود پنبه از
کشورهای خارجه را بدهد تکرار همان مطلب است و موضوعی
ندارد مگر اینکه بگوئیم خواسته اند این مطلب را بیکدیری
روشن تر بکنند والا الان تجار وارد کننده دچار زحمت هستند
منتهی اینجا خواسته اند بگویند که بموجب این تبصره ما
اجازه میدهیم پنبه وارد شود اما چطور اجازه میدهد؟
وارد کردن پنبه يك تاریخی دارد و آن این است که
مخول پنبه در این دو سال اخیر سقوط گرد یعنی تحصیلش
سقوط کرد نه زراعتش. زیرا توضیحی را که اینجا آقای
وزیر فرمودند بنده را قانع کرد که فرمودند ما يك مقداری
پنبه در ماژندران و سایر نقاط داریم که ما آن پنبه ها
را نمیتوانیم بخیریم و باین جهت است که نتوانستیم جمع
آوری کنیم. پس معلوم میشود که پنبه هست ولی دولت
نتوانسته است جمع آوری کند. بهر دو صورت چه زراعت
کم شده باشد و چه نتوانسته باشند جمع آوری کنند پنبه ای
تحصیل نشده است. آن گشتی که پنبه دارد بان صاحب
کارخانه بانان مصرف کننده نمیتواند بفروشد برای اینکه
قاجاق است. مصرف کننده هم نمیتواند بخرد برای اینکه
قاجاق است و ناچار است منتظری کند برای اینکه قیمتش
با قیمتش که شما میدهند وفق نمیشود و ناچار است که
گذاشت در دست دارنده البته متناسب نیست با این جهت او هم
مناقصی میکند آنوقت دو هزار نفر عملجات کارخانه سلطان
مدنی اصلاً اینطور بلا تکلیف ما بدهد ولی آقایان که کهنر
ایضا را هم بنده من بینم که هر روز میرود و بعضی
نعم بشود. این پنبه ها در دست ما است و ما را در نظر
مجلس لایحه ای است که اخیر تعطیل نشده شهرها هم بکنند
بیکند و روزها هم کار میکنند.

نقابت - چه میزن مائید آقای محیط؟
محیط - عرض کردم شب و روز کار کرده اند و تعطیل
نشده.
وزیر کشاورزی - کارخانه سمنان يك روز هم تعطیل
نشده است.
نقابت - علت اینکه عرض کردم تعطیل شد جریانش
این بود آقای روحی در مجلس راجع به پنبه کاظم ملک سؤال
فرمودند آقایم جواب دادند دو سیه اش هم رفت به دیوان
کیفر این پنبه را وزارت کشاورزی داده بود به ملک که
این را بردارد و بفروشد و از تفاوت قیمتش بعنوان جبران
خسارت معامله پشم استفاده نماید ملک این پنبه را فروخته
است بکارخانه سمنان کارخانه سمنان بابت قیمت این پنبه
اضافه بر نرخ عادلانه معادل ۱۳۰۰۰۰ (صد و سی هزار)
تومان پول نقد داده حالا وزارت کشاورزی میخواهد بگوید
بکارخانه سمنان که آن پنبه که شما گرفتید جزو سهمیه
دولتیمان باشد و از بابت سهمیه تان کسر شود او میگوید که
من پنبه را مبلغ صد و سی هزار تومان از کاظم ملک خریده ام
اگر جزو سهمیه ام میباشد این ۱۳۰۰۰۰ تومان را که من
دادم بکاظم ملک یا شما بگیرید یا من بگیرم او میگفت
من برای جلوگیری از تعطیل کارخانه با دادن مقداری اضافه
این پنبه را خریداری کردم و بعداً درصده بر آمدند از بعض
پنبه وارد کنند آمدند و گفتند چون در انحصار دولت است
باید صورت نامه گرفت تصویب نامه تعطیل شد سفارشی که
بمصر داده بودند چند هزار لیره که بعضی فرستاده بودند
در امر وقایع جنگی قیمت پنبه ترقی کرد و وضعیت جنگی
مگر هم وضع اقتصادی بخوبی گرفت ناچار شدند جواب
بدهند که چون همه موافقت ما را برای فلان مدت
ندادند. بعضی دیگر میگویند پنبه هم با یوان نیامد
و بالتبع آن کارخانه تعطیل شد و این بهمان طرز سابقه
در اینجا تجماع هم با این معنی است و پنبه ما در دست
ماست و ما از دست پنبه ها بعضی ما را بطور زراعت بعضی
تعطیل دیگر در دست ما هستیم اگر در این ماده پنبه ها کتف

اشتباهائی که نظیرش باز هم واقع خواهد شد تمام مردم در
زحمت و مشقت خواهند بود این عمل را بنده از من استنتاج
حقوقی میکنم و میگویم اگر ما سلجیدیم دستگاها برای
فعالان خودمان را دیدیم که در عمل يك کارهائی میکنیم که
نتیجه اش منفراست و آن کار عملی نیست دیگر محتاج نیست
در مقام آزمایش باشیم. پنبه را از سال ۱۳۱۰ و ۱۱ و ۱۲
و ۱۳ و ۱۴ شروع کردند باحضار در این مدت انحصار يك
مفاصلاتی با مالک خارجه ایران کردند که آن معاملات بکلی
ما را دچار مضیقه و برای ما ایجاد ضرر کرد تمام آن ها
بضرر ما تمام شد يك وقتی يك کسی حساب میکرد و يك
نفری از مطلعین میگفت اگر دولت ایران هر تن پنبه
جریمه فلان مقدار لیره را بدهد برای او بهتر است ولی ما
هم پنبه را دادیم هم جریمه را دادیم هم کتف دادیم و هم
چیزهای دیگر دادیم بنابراین هشت سال ده سال است يك
مطلبی را آزمایش کرده ایم امتحان کرده ایم از تجار آوردیم
رئیس کردیم مدیر کردیم یکی از تجاری طکه در این
خصوص خیلی اطلاعات دارد آقای غنی برادر آقای دکتر غنی
است ایشان اظهار میکردند که این يك اصل کلی است
و این را ما در اکونومی پلٹیک خوانده ایم که مثلاً بوق
هم اگر برای يك شهری وارد کنند سؤال کنند و بپرسند
میگویند این بوق یکی پنج تومان است بعد برود یا صد تا
وارد کند ولی این شهر پنج تا هم بیشتر ندارد خوب پنج تا
را فروخت یکی ۵ تومان و ۴۹۵ تا باقی میماند همینطور
است مثلاً در کارخانهجات ما يك کارخانه پنبه يك کسی
سمنان دائر کردیم یکی دو هشتاد یکی دواینها بود یکی
در سبزوار یکی در بکجا یکی در کجا. هر کدام از این
کارخانهجات بود هزار تومان بخورند شش ماهه را فلان مان
این کارخانهها خوب نبودند مقدار پنبه که خورد این کارخانهها
بود در حدود آن کارخانهجات بجهت رسیدن آمد این بود که ما
مدتی این کارخانهها را تعطیل میکنیم بیکال میماند و آن سمنان
هم تعطیل میماند تا کل با اینها پنبه را این عملیاتی که کرده اند
پنبه کتف میخورند و همه فرورفت و چهار پنج یکی از آنها

راندمانی نداشت و این عملیات جز بر خلاف قواعد اقتصادی چیز دیگر نبود پس ما نتیجه میگیریم که ادامه ندهیم آمدیم يك مطلب برای ما باقی میماند که برای پیشرفت هر کاری پول لازم است و زور و این هر دو را دولت دارد (یکی از نمایندگان - دومی را ندارد) پس چه علتی مانع کار است دولت که هم پول دارد هم زور (سمعی - دومی را ندارد) هم تشویق میکند و هم مساعده میدهد (دکتر سنگ - آقا اینطور نیست همه جا را امیدهد) آقای دکتر بنده هم مخالفم این را فراموش نکنید بنده اینجا برای اینکه وضعیت و کیفیت عمل دولت را تشریح کنم ناچاراً قضایا را تفصیلاً و اثباتاً توضیح میدهم بنده در سال ۱۳۱۵ در خوزستان بودم يك قسمتی از مشایخ فلاحیه موقعی بود که شاه هم میآمد بخوزستان اینها هم با کلاههای سیلندر برای شرفیابی آمده بودند باهواز جمع شده بودند آنجا شکایت میکردند که آقای فکر نامی است رئیس کشاورزی ما را خواسته کمک و مساعده بما داده است نهد و اسنادی هم از ما گرفته است و ما هم مقروض شده ایم و بما گفته است که بیایید بجای برنج سرخ در اینجا پنبه بکارید و نگذاشت برنج سرخی را که محصولمان بود بکاریم این برنج را با خرما نواله میکردیم هم خودمان میخوردیم هم به شترمان میدادیم و بالاخره زندگانیمان میگذاشت ما میدانستیم و باو گفتیم که هوای اینجا گرم است اینجا با جزو مد دریا سرو کار دارد (امیر تیمور - پنبه اینجا میسوزد) پنبه را باید در شهرهای دیگر و جاهای دیگری کاشت بما مساعده داد و گوش نداد به حرف ما مقداری تخم پنبه هم داد يك کتاب افرنجی دستش بود و می خواند از زوی آن و می گفت حالا آب بدهید ما می گفتیم که آقا حالا موقع آب دادن نیست میگفت بدهید خلاصه اینکار را کردیم و محصول پنبه هم بکلی از بین رفت بعد این هفت هشت نفر یکدفعه بوی سزایان زدند و شروع کردند بگریه کردن که آقا ما چه کنیم نه نان داریم نه پول داریم هیوه بعلمان را هم باید ببریم به اداره بدهیم بابت مساعده این دستها بر روی پهلوی آقای بیانی رئیس کل بلاحت همین

نشان نمیدهد و مالیات نمیدهد این مال زارع است اینکه اینجا گفته میشود این لایحه را اصلاح بکنیم برای این است که منافع غیر مرئی را جلو گیری کنید یعنی شما بجای اینکه سرمایه تان را خرج کنید و پنبه بخرید و آن پنبه را به من بدهید که در نتیجه این قسم منافع غیر مرئی ببرم تمام سرمایه تان را بدهید بدست این کارخانه ها محصولات ایشان را بخرید و پیش خودتان جمع کنید و به مصرف کنندگان تقسیم کنید و بفروشید بقیمت عادله پس اگر این پول و زور دولت در این موزد و به این قسم اعمال بشود بهتر است و احتیاج بآن زحمت ها هم نیست و اگر اینطور عمل شود بهتر است البته قوانین يك اصلاح دارد و اگر تمام دنیا جمع شوند و بخواهند آن را عوض کنند امکان ندارد آن قسمت که ملایم یا طبیعت است آن قسمت کار خودش را میکند و نباید بآن دست زد بنده فقط استفاده که میکنم از این لایحه این است که وزارت کشاورزی يك بنگاه پنبه داشته باشد اینکارش این باشد که اگر پنبه میخواهد بخرد بخرد میخواهد مساعده بدهد بدهد میخواهد برز بدهد بدهد میخواهد تشویق کند بکند و همه این کارها را از لحاظ تشویق بکند و اگر بنده خواستم گران بخرم یا گران بفروشم يك اداره باشد که بگوید که آقا این نرخ این است و اگر خواستند گرانتر بمن بفروشند جائی باشد که ارزانتر بدهد و بنده از آنجا بخرم آنرا تبدیل بکنید در مورد گندم و ارزاق عمومی هم گفتیم که دخالت دولت باید بعنوان تعدیل باشد و بالانسیس را نگاه دارد این را در مورد خوار بار گفتید نمیشود خطر دارد و خطرش هم مرگ است اگر کم بیاید یا نیاید ما دیگر نمیتوانیم تهیه کنیم ولی در مورد پنبه بخصوص میتواند این تعدیل را بکند اداره داشته باشد تشویق بکند و خرج هم بکند و بذره هم بدهد و مساعده هم بکند البته این کمک ها مفید است و کمک مؤثری است و این را نمیشود گفت نکنید ولی در داخل هم مردم آزاد باشند و بتوانند اینکار را بکنند و در داخل انحصار نباشد ولی صادر کردنش ممنوع باشد زیرا امروز الا آن ما محصولمان کمتر از

مصرفمان است و احتیاجاتمان زیادهتر از تولیدمان است در يك موقعی که مصرفمان زیادهتر از تولیدمان نبود در آن موقع شما مطابق قانون انحصار تجارت سال ۱۳۰۹ وارد و صادر کردن کل اجناس را در اختیار دولت گذاشتید و آمدید اینکار را کردید اما بعد در لایحه متمم بودجه سال پیش يك ماده بود در آن ماده نوشته بود اجناسی که انحصار صدور و فروشش با دولت است خرید و فروش آن اجناس هم در داخله مملکت باستانی با اجازه دولت باشد یعنی بچه یعنی همه چیز در انحصار دولت است نتیجه چه میشود نتیجه این میشد که تمام معاملات داخلی باید با اجازه دولت باشد و الا تمام معاملات قاچاق میشد و هر کس که يك منبع از بازار میخواست بخرد اسمش را میگذاشتند قاچاق آمدیم و گفتیم آقا این منطق غلط است شما چرا اینقدر اسباب زحمت برای مردم فراهم میکنید جرم تراشی میکنید و این خوب طریقی نیست نسبت به بعضی ها که زور تان نمیرسد اما اگر به بعضی ها زور تان رسید فرضاً آنروز وضع نقابت این بود که اگر با تیناست شما که وزیر بودید متخالف بود ممکن بود بجرم تهیه پنج تا قوطی کبریت يك دوسیه برایش درست بکنید و او را تعقیب کنید بالاخره کمیسیون با آن ماده موافقت نکرد و آن را حذف کرد و پس از حذف آن ماده چون آقایان وزراء وقت و مجال نداشتند که بروند و آن را بخوانند و بدانند که يك همچو اختیاری ندارند از اینجهت بعد از حذف آن ماده يك اعمالی کردند يك عملیات خرید و فروش هائی مرتکب شدند دستور هائی هم دادند طرف ها اعتراض کردند که شما مجوز قانونی ندارید يك روز هم یادم هست که آقای هریر و آقای عدل آمدند اینجا و پایشان را توی يك کفش کردند که آقا جوراب شده جفتی سه تومان پیراهن شده دانه چند تومان مردم بیچاره چکار کنند و هی سنگ فقرا را بسینه زدند و این ماده راجع به پشم و پنبه به تصویب رسید و در متمم بودجه ۱۳۲۱ گذاشته شد حالا ۱۳۲۱ تمام شده است ورقه ایم توی سال ۱۳۲۲ این لایحه دو مرتبه پیدا شده است برای اینکه

سن را آنجا تجدید کردند و نتیجه که گرفتیم این بود که مساعده را در آن سال از ایشان نگیرند این است که اصول عامی و فنی را هم در موقعی که دولت میخواهد تشویق کند رعایت نمیشود آمدیم در کیفیت اعمال قدرت هیچ قدرتی در دنیا برای ایجاد ثروت بهتر و مؤثرتر از قدرت مولد ثروت نیست اگر مولد ثروت حس کند که يك دینار این زراعت با زراعت دیگر تفاوت دارد دنبال آن میرود زیرا که زحمت کم و استفاده بیشتر یکی از مسائل اساسی تجارت است حالا این کارخانه که میخواهد پنبه تهیه کند چرا کارخانه میخواهد تهیه کند چرا اسم کارخانه را ببریم فرض بفرمائید که من طرفدار کارخانه هستم خیر من با این کارخانه ها مخالف هستم و حالا بشما میگویم که اینکارخانه ها چه میکنند کارخانه ها يك بچه نخ يك صندوق قوطی کبریت یکدانه پتو با يك متر پارچه که از يك کارخانه بیرون میآید باید بهمان قیمتی که تمام میشود يك مقدار سپیم که به آنها اجازه داده میشود رویش بکشند و بفروشند پس آمدیم فروختیم این بچه نخ را ۲۰ تومان الا ن يك بچه نخ آقای نیک پور در بازار چند است؟ (نیکی پور - شصت تومان) (افشار - نود تومان) میفرمائید شصت تومان قول ایشان صحت است قول من و شما در جای دیگر صحت است ۲۰ تومان تا شصت تومان چهل تومان منافع غیر مرئی دارد در دفتر مینویسد بیست تومان و شما مالیات میگیرید از این بیست تومان د کتر میلسپو مالیات ۸۰٪ را میگیرد از این بیست تومان میگیرد ولی آن چهل تومان منفعت غیر مرئی همینطور بجیب گذاشته میشود کیر زارع نمیآید کیر کاسب نمیآید کیر هیچکس نمیآید اما مصرف اینجا که بکرات آقای روحی میفرمایند ۱۲٪ نفع برای آنها قائل شوند اگر من جای شما بودم میگفتم صد درصد نفع برای آنها منظور شود اما راه منفعت غیر مرئی را به بندید اگر شما میخواهید مالیات بگیرید از آن منافع غیر مرئی بگریزید که کبلی نصیهد صندوق کبریت پنجشنبه تومان بوده است با کبرانی اجناس دولت اجازه داده است بفروشند ۱۲۸ تومان توی بازار بچقدر است؟ ۳۵۰ تومان این تفاوت را در قوت پلمپ شده

اعمال بعدی آنها هم لگالیزه بشود و دنباله آن اقدامات تعمیق شود اینها سوء ظن نیست اینها تقریباً تاریخ است اینها دوسیه دارد اینها در مجلس و در وزارتخانه سابقه دارد آقا این وضعیتی است که در اثر دخالت دولت ایجاد شده البته ما نمیخواهیم بگوئیم دولت هیچ دخالت نکند زیرا دولت هر چه قویتر باشد مدیرعامل یک کشور هر چه قویتر باشد و هر چه آبرو مند تر باشد بهتر است و این اسباب افتخار ماست (صحیح است) زیرا که ناموس و اموال و حیثیات ما را حفظ میکنند و ما میخواهیم دخالت کند اما مداخلات علمی و شروع و مفید در هر حال این بود عرایض بنده در کلیات این لایحه و چون به بنده هم نوشته اند که وقت گذشته است فعلاً بعرایض خودم خاتمه میدهم و امیدوارم در شور دوم یک دفتر ماسیون بآن داده شود و این انحصار برداشته شود...

طباطبائی - شور اول هم تمام نمیشود.

نقابت - آقای طباطبائی باز شروع فرمودید؟!!

معدل - اتفاقاً درست گفتند شور اول هم تصویب نمیشود

که برای شور دوم بماند

نقابت - این بود خلاصه عرایضی که راجع به انحصار پنجه داشتم و در مواد هم دلائل زیاد تری دارم که میگذارم برای موقع طرح مواد که در آنموقع به عرض آقایان برسانم (صحیح است)

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - از طرف بعضی از آقایان پیشنهاد ختم جلسه شده است ولی یک عرضی هم بنده داشتم آقایان اگر روی قراری که خودشان گذاشته اند صبح زود تر تشریف بیاورند ظهر میتوانیم جلسه را ختم کنیم وقت زیاد هم داریم کارها هم پیشرفت میکنند (صحیح است) بنا بر این خواهش میکنم رعایت این نکته را بفرمایند جلسه آتیه روز سه شنبه...

جمعی از نمایندگان - پنج شنبه (صحیح است)

رئیس - میفرمائید روز پنج شنبه. دستور هم لوایح موجوده.

| مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد |

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری